

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیق‌های منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

# تقویت راست‌گرای افراطی غرب پس از گذشتار ماه اکتبر



منظر، یهودی‌ستیزی به عنوان یک علامت هشداردهنده از بی‌عدالتی‌های بالقوه‌ای است که ممکن است علیه سایر جمعیت‌ها، مانند اقلیت‌ها، صورت گیرد، همان‌طور که در طول تاریخ رخ داده است. این تحولات نگران‌کننده جدید نیست. آن‌ها سال‌ها ادامه داشته‌اند، اما بدون شک از تاریخ ۱۷ اکتبر به بعد این موضوعات تشدید گردیده و به سیلابی در گفتمان چپ افراطی و راست افراطی تبدیل شده‌اند که در طول سال‌ها به تدریج به جریان اصلی تبدیل شده است.

ادامه در صفحه ۸

عمومی در کشورهای غربی نفوذ کرده است. اگرچه این گروه‌ها در اعتقادات خود یکسان نیستند، اما بسیاری از آن‌ها عقاید یهودی‌ستیزی را تبلیغ می‌کنند. در حال حاضر تردید وجود دارد که کسانی که ادعا می‌کنند «دوستان واقعی» یهودیان یا دولت اسرائیل هستند، قابل اعتماد تلقی شوند. برخی از روابط خود با اسرائیل و جوامع یهودی برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی خود استفاده می‌کنند که در نهایت می‌تواند به یهودیان و اسرائیلی‌ها آسیب برساند. این رفتار معمولاً از یک بحران داخلی عمیق‌تر ناشی می‌شود که بر دیگر گروه‌های حاشیه‌نشین جامعه نیز تأثیر منفی می‌گذارد. از این

## مطالعات امنیت ملی (INSS)

### راحلی بارانز ریگس / آدی کانتورا

قتل عام روز ۷ اکتبر در جوامع غرب منجر به «رادیکالیزاسیون» بی‌سابقه ضد اسرائیلی و افزایش یهودی‌ستیزی در سراسر جهان شد. در حالی که اکثر این موارد به فعالان طرفدار فلسطین، اسلام‌گرایان و فعالان چپ‌گرای افراطی ضد اسرائیل (اتحاد سبز، قرمز) نسبت داده می‌شود، افزایش فعالیت‌های گروه‌های راست افراطی مایه‌نگرانی است. علاوه بر این، روایات یهودی‌ستیزانه و ضد اسرائیلی هر دو جناح راست و چپ افراطی اکنون در جریان اصلی گفتمان سیاسی و

۱۳

نتیجه حمله تلافی جویانه  
ایران به اسرائیل

۳

حملات ادامه‌دار اوکراین  
به پایگاه‌های روسیه

۲

بایدن تمایلی به ادامه  
کمک به اسرائیل ندارد

## دیوار حمایت آمریکا در حال شکستن است

کونیسی  
بلز مالی |

بایدن، روز چهارشنبه اعلام کرد که در صورت استقرار نیروهای اسرائیل در رفح، ارسال سلاح به این کشور را متوقف خواهد نمود. این بارزترین نشانه تغییر رویکرد دولت بایدن در حمایت از جنگ اسرائیل تا به امروز است، اما این پرسش وجود دارد که رئیس‌جمهور چگونه و چه زمانی به سخنان خود واقعا عمل خواهد کرد.

اخیراً دولت بایدن از ارسال یک محموله بمب به رفح جلوگیری کرد، اما این در حالی است که روزهاست تانک‌های اسرائیلی مسیر رفح را بسته‌اند و سربازان خود را در نزدیکی آنجا مستقر کرده‌اند.

دولت بایدن از داخل بسیار متشنج است؛ حداقل چهار کارمند فدرال، از جمله سه نفر از وزارت امور خارجه، در اعتراض به واکنش دولت به جنگ، استعفا داده‌اند.

این موضوع در بحبوحه تنش‌های داخلی در دولت بایدن در رابطه با حمایت‌های نظامی و لفظی از دولت نتانیاهورخ می‌دهد.

منتقدان درون دولت تنها به دلیل نگرانی‌های اخلاقی این انتقادات و اقدامات را مورد قضاوت قرار نمی‌دهند.

این احساس رو به رشد در میان حتی خود افراد دولت به وجود آمده است که اتحاد بلندمدت با اسرائیل در خدمت منافع آمریکا نیست.

به‌طور خاص، آن‌ها نگران هستند که واشنگتن خود را به یک جنگ منطقه‌ای بکشانند که فقط اعتبار آمریکا را از بین ببرد.

سیاست دولت آمریکا در غزه با مخالفت‌های گسترده‌ای از جمله مقامات سایر سازمان‌ها و کسانی که از همدستی آمریکا در افزایش تعداد کشته‌ها و بحران انسانی خشمگین شده‌اند، مواجه شده است. این سیاست

از همان ابتدا منفور بود.

کارمندان فدرال نسبت به عدم ارائه گزارش در مورد پایبندی اسرائیل به قوانین بشردوستانه بین‌المللی توسط بایدن ابراز نگرانی کرده‌اند که می‌تواند نشانه روشنی

از تمایل مقامات آمریکا برای حمایت از جنگ باشد. استعفا‌های غیرعلنی از سوی مسئولان افزایش یافته است و انتظار می‌رود استعفا‌های بیشتری نیز صورت گیرد.

با توجه به حجم مخالفت‌های عمومی تاکنون، مشخص نیست که آیا چنین گام‌های نمادینی تفاوت زیادی ایجاد می‌کند یا خیر.

می‌کند یا خیر.

<https://tinyurl.com/263omqep>

## بایدن تمایلی به ادامه کمک به اسرائیل ندارد



قهرمان جنگ و رئیس‌جمهور فرانسه پس از جنگ ۶ روزه بر اسرائیل تحمیل کرد. تا آن زمان، فرانسه به‌عنوان تامین‌کننده اصلی تسلیحات اسرائیل خدمت می‌کرد یعنی نیروی هوایی با جت‌های جنگنده میراژ پرواز می‌کرد، کشورها به‌طور مشترک در حال توسعه موشک‌های دوربرد بودند و اولین راکتور هسته‌ای اسرائیل با کمک فرانسه ساخته شد.

درس امروز برای اسرائیل حیاتی است. در کوتاه‌مدت، اورشلیم باید تلاش کند تا روابط با بایدن را ترمیم و اطمینان حاصل کند که قطعات یدکی، سلاح‌ها و تجهیزات مورد نیاز خود را دریافت می‌کند. با نگاهی به آینده و در درازمدت، برای اسرائیل ضروری است که توانایی ساخت داخلی خود را برای سیستم‌ها و تسلیحاتی که به‌طور سنتی از آمریکا به آن‌ها متکی است، توسعه دهد. در سال ۱۹۶۷، پس از تصمیم دوگلد، اسرائیل این درس را آموخت و شروع به سرمایه‌گذاری جدی در زمینه تحقیق و توسعه تسلیحات، رادارها، پهپادها، تانک‌ها و غیره کرد.

[is.gd/RFSkD5](https://is.gd/RFSkD5)

ابراز می‌کند و سیاست جدید خود را با صدای خودش و برای شنیدن همه از جمله حماس و حزب‌الله اعلام می‌کند.

آنچه اسرائیل اکنون باید انجام دهد

این است که تصمیمات و پیامدهای درازمدت آن بر ارتش و همچنین اتحادش با آمریکا را بررسی کند، اگر بایدن که خود را صهیونیست

می‌خواند، بتواند این کار را با اسرائیل انجام دهد، روسای جمهوری آینده این کار را انجام خواهند داد.

بمب‌هایی که به تعویق افتاده‌اند تنها یکی از موارد لیست بلندبالایی از آنچه اسرائیل از آمریکا نیاز دارد است.

تنها کاری که باید انجام دهد این است که ارسال قطعات یدکی برای ناوگان نیروی هوایی اسرائیل متشکل

از اف-۱۵، اف-۳۵، اف-۱۶، لاکهید سی-۱۳۰ هرکولس، بلک‌هاوکز و بوئینگ ای-۶۴ آپاچی، گلف‌استریم جی-۵۵۰، تانک‌های سوخت‌رسان

بوئینگ و غیره را متوقف کند.

به همین دلیل است که این اعلام بایدن زنگ خطری برای ارتش اسرائیل در راستای تحریم تسلیحاتی

سال ۱۹۶۷ است که شارل دوگلد

نیوزویک  
یاکوف کاتزا |

دولت بایدن تصمیم گرفته است که از دادن تسلیحات به اسرائیل خودداری کند که یک امر مهم در

تاریخ ارتش این رژیم است. این تصمیم بی‌شبهت به تأخیر در تحویل موشک‌های هلفایر در طول

جنگ سال ۲۰۱۴ غزه یا تحویل جنگنده‌های اف-۱۵ پس از بمباران راکتور هسته‌ای اوسیراک در عراق

توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۱ نیست. خشم دولت ریگان از بمباران راکتور هسته‌ای عراق محدود بود و مدت

زیادی دوام نیاورد. در ماه دسامبر، قراردادهای دفاع استراتژیک بین دو کشور امضا شد. در سال ۲۰۱۴،

تأخیر در ارسال موشک‌های هلفایر حل شد، زیرا اسرائیل در حال پایان دادن به جنگ بود و برای حمله بزرگ

علیه تروریست‌های حماس در رفح یا حزب‌الله لبنان آماده نمی‌شد.

تفاوت اصلی بین دو دولت این است که در سال ۲۰۱۴، باراک اوباما به‌طور علنی ناراحتی خود را از اسرائیل ابراز نکرد ولی در مورد جو

بایدن، او ناراحتی خود را از اسرائیل

# حملات ادامه دار اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه



## فاران افروز لیبریچ / میلیویرتا / وینترلوی

پهپادهای اوکراینی با هدف قطع سوخت‌رسانی به ارتش روسیه و کاهش درآمدهای صادراتی که کرملین برای تأمین هزینه‌های جنگی خود استفاده می‌کند، حداقل ۲۰ حمله به پالایشگاه‌های روسیه از ماه اکتبر انجام داده‌اند. این حملات حدود ۱۴ درصد از ظرفیت پالایش نفت روسیه را از بین برده و دولت روسیه را مجبور به ممنوعیت ۶ ماهه صادرات بنزین کرده است. این حملات همچنین پالایشگاه نفت «روس‌نفت» در شهر نوپسه در ۹۶۵ کیلومتری از قلمرو تحت کنترل اوکراین را هدف قرار داده است و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان را مجبور به واردات بنزین کرد. این حملات باعث تنش میان اوکراین و روسیه شده، به طوری که روسیه نفت بیشتری از اوکراین وارد کرده است. اوکراین پالایشگاه‌های نفت روسیه را هدف قرار داده است که ضربه قابل توجهی به ظرفیت پالایش روسیه وارد کرده است که بر ۹۰۰ هزار بشکه در روز تأثیر می‌گذارد. روسیه در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۰٫۱ میلیون بشکه نفت در روز استخراج کرد که

۵۰ درصد آن به پالایشگاه‌های خارج از کشور و ۵۰ درصد باقی‌مانده در داخل پالایش شد. مقاصد اصلی محصولات نفتی پالایش شده روسیه کشورهای ترکیه، چین و برزیل هستند، در حالی که کره شمالی با نقض تحریم‌های سازمان ملل به این کشور سوخت می‌فروشد. ظرفیت ذخیره‌سازی نفت روسیه محدود است و تولیدکنندگان را با دو گزینه افزایش صادرات یا بستن چاه‌ها و کاهش تولید مواجه می‌کند. با این حال، افزایش صادرات در دسترس کمتری نسبت به کاهش استخراج دارد، زیرا روسیه تنها می‌تواند نفت خود را به کشورهای با قیمت‌های پایین‌تر از بازار بفروشد. کارزار اوکراین باعث ایجاد دردسر در بازارهای انرژی روسیه و تحت فشار قرار دادن مسکو است و دقیقاً همان فشاری را بر مسکو وارد می‌کند که حکومت‌های تحت رهبری آمریکا برای آن طراحی شده بود، اما موفقیت محدودی در ارائه آن داشته است. دولت بایدن مجازات‌های اقتصادی را علیه روسیه اعمال کرد، از جمله سقف قیمتی برای صادرات نفت خام روسیه، اما اجرای ناسازگار و نظارت بر اثربخشی آن تضعیف شده است.

صنعت کشتیرانی اتحادیه اروپا و گروه هفت هنوز عمیقاً با صادرات روسیه در هم تنیده است، به طوری که ۴۶ درصد از محموله‌های نفت روسیه در کشتی‌های متعلق یا بیمه‌شده در کشورهای گروه هفت و اتحادیه اروپا حمل می‌شود. حملات اوکراین به پالایشگاه‌های نفت روسیه، اکنون کاری را انجام می‌دهد که الگوی تحریم‌ها انجام نداده است، درآمدهای روسیه را هدر می‌دهد و توانایی روسیه برای تبدیل نفت خام به سوخت تانک‌ها و هواپیماها را محدود می‌کند. تازمانی که نیروهای اوکراینی از ضربه زدن به خطوط لوله نفت خام یا پایانه‌های اصلی صادرات نفت خام خودداری کنند، می‌توانند این تعادل را حفظ کنند. برای پایین نگه داشتن خطرات، آمریکا نه باید به اوکراین در ادامه این حملات کمک کند و نه علناً آن‌ها را تشویق کند. حملات به پالایشگاه‌های روسیه به تنهایی مسکو را مجبور به تسلیم نمی‌کند، اما جنگ را برای روسیه دشوارتر و گران‌تر می‌کند و به طور بالقوه کرملین را مجبور می‌کند در هنگام مذاکره امتیازاتی بدهد.

[is.gd/Yk8rcm](https://is.gd/Yk8rcm)

## روسیه می‌تواند اوکراین را اشغال کند؟

### ناینتین فورتی فایو دیلان موتین

یک فرض رایج در جامعه روابط خارجی این است که روسیه حتی اگر در جنگ پیروز شود، قادر به اشغال دائم اوکراین نخواهد بود. بسیاری بر این باورند که مسکو هزینه‌های نظامی برای یک کشور بزرگ مانند اوکراین را بسیار زیاد می‌داند. بنابراین، شکست دولت اوکراین تنها می‌تواند یک پیروزی مهیب باشد. حتی اگر روسیه پیروز شود، ناگزیر در درازمدت ضرر خواهد کرد، زیرا هرگز نمی‌تواند اوکراین را آرام کند.

با این حال، شواهد کمی وجود دارد مبنی بر اینکه اشغال اوکراین توسط روسیه ناکام خواهد ماند. سوابق تاریخی حاکی از آن است که اشغالگران معمولاً در کنترل و استخراج منابع قابل توجهی از سرزمین‌های فتح‌شده موفق می‌شوند.

مطمئناً اشغال و نظامی‌گری در اوکراین می‌تواند برای روسیه گران تمام شود. با این حال، منابع اقتصادی جدید، بازارها و پول مالیات به بهبود این ترازنامه کمک می‌کند. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی از مردان اوکراینی در سن نظامی‌قیلا در جنگ کشته شده‌اند. از این رو، شورشیان احتمالی نسبتاً کمتری در سال‌های آینده باقی خواهند ماند. کسانی که انتظار تخلیه سنگین پرسنل نظامی روسیه را دارند، فراموش می‌کنند که وظایف اشغالی عمدتاً توسط بومیان انجام می‌شود.

در نهایت، روسیه می‌تواند از اخراج برای تغییر تعادل جمعیتی استفاده کند. بر اساس گزارش‌ها، این کشور تعداد زیادی از اوکراینی‌ها را به نقاط دور دست کشور فرستاده است.

مقاومت مردمی در برابر حاکمیت روسیه در مناطق تازه فتح‌شده مانند خرسون شرقی و زاپوروژیه جنوبی کوچک به نظر می‌رسد و هرگز کنترل نظامی این کشور را به طور جدی تهدید نکرده است.

در عراق، افغانستان و ویتنام، اشغالگران مجبور بودند کشوری دور دست و پیرامونی را پادگان کنند. این یک معامله دردناک بود، زیرا آن‌ها منافع حیاتی نبودند. با این حال، اوکراین با رقیب اصلی روسیه، ناتو هم‌مرز است.

نمی‌توان پیش‌بینی کرد که مقاومت مردمی چقدر قوی خواهد بود، اما فرض اینک کنترل اوکراین مسکورا نابود کند، خطرناک است.

[tinyurl.com/2dks3lzh](https://tinyurl.com/2dks3lzh)



## حماس محبوب فلسطینی‌ها است؟



### فازن افروز متیولویت

رهبران حماس اعلام کرده‌اند که ممکن است توافقنامه «گروگان در ازای اسیران» را با اسرائیل برای جلوگیری از عملیات اسرائیل در رفح بپذیرند. این اقدام این امید را در واشنگتن ایجاد می‌کند که این توافق می‌تواند گروگان‌ها را آزاد و حمله اسرائیل به نوار غزه را متوقف کند. درگیری اسرائیل و حماس به بیش از دو میلیون اهالی غزه خسارت قابل توجهی وارد کرده و پروژه حکومت حماس را نابود کرده است. اهداف حماس شامل قرار دادن خود و موضوع فلسطین در مرکز دستور کار بین‌المللی، حتی به قیمت نابودی بخش اعظم غزه و خنثی کردن یک پیمان عادی‌سازی احتمالی بین اسرائیل و عربستان است. آن‌ها همچنین قصد دارند خود را از زیر بار حکومت بر نوار غزه رها کنند و روند آشتی با فتح و تشکیلات خودگردان فلسطین را آغاز کنند. حماس، یک گروه فلسطینی، بیش از

و کنار گذاشتن سلاح‌ها متهم شده است، اما مردم غزه صبر خود را در برابر این جنبش و ناتوانی آن در محافظت از آن‌ها در برابر انتقام جویی اسرائیل از دست داده‌اند. محبوبیت حماس در طول سه ماه گذشته حدود یک چهارم کاهش یافته و این گروه نسبت به موافقت با مبادله گروگان‌ها بدون آتش‌بس کامل و نجات گردان‌های باقیمانده حماس در رفح محتاط است.

[tinyurl.com/27uvopy2](http://tinyurl.com/27uvopy2)

رهبر حماس، پس از جنگ سال ۲۰۲۱، دو نتیجه جایگزین را به اسرائیل ارائه کرد. سنوار پیشنهاد آتش‌بس بلندمدت با اسرائیل را مطرح کرد، اما بر لزوم وحدت میان جناح‌های فلسطینی تأکید کرد. حماس همچنین دیدار با مقامات ایران و حزب‌الله را آغاز کرد و به‌طور مخفیانه حمله زمینی به اسرائیل را آغاز کرد. رهبری حماس به دلیل طولانی شدن جنگ با آزاد نکردن گروگان‌های اسرائیلی

دو سال است که مخفیانه برای حمله به اسرائیل برنامه‌ریزی کرده است. پس از یک جنگ کوتاه با اسرائیل در ماه می سال ۲۰۲۱، رهبران حماس اهداف خود را ارزیابی کردند و به مدت ۱۴ سال بر نوار غزه حکومت کردند. به‌رغم درگیری‌های متناوب با اسرائیل، حماس با کمک‌های آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک و قطر حمایت شد. با این حال، یحیی سنوار،

## تشدید تنش استراتژیک یمن در دریای مدیترانه

پیشرفت‌های خیره‌کننده یمن در توانمندی‌های نظامی، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تأکید کرده است.

شکست‌های دو ائتلاف غربی که برای خنثی کردن محاصره اسرائیل توسط یمن اختصاص یافته‌اند، برای همه آشکار شده است.

همچنین در اوایل ماه آوریل، دریاسالار واسیلیوس گریپاریس، فرمانده یونانی اتحادیه اروپا، هشدار داد که ماموریت او برای محافظت از محموله‌ها در باب‌المنندب موفق نخواهد شد.

هم‌زمان با آغاز عملیات فاز چهارم انصارالله در دریای مدیترانه، یمن اکنون عملاً محاصره دریایی و خفکان اقتصادی را بر اسرائیل تحمیل کرده است.

در حالی که آمریکا و متحدانش در اطراف اسکله تازه‌ساخته خود در خط ساحلی مدیترانه غزه گرد هم می‌آیند، یمن به‌عنوان خط مقدم در حال ظهور است.

[tinyurl.com/29gg4wlm](http://tinyurl.com/29gg4wlm)



شمار می‌رود. «دایره آتش» یمن، محدوده دریایی آن، اکنون دریای سرخ، دریای عرب، خلیج عدن، اقیانوس هند و دریای مدیترانه را در بر می‌گیرد. در خشکی، تمرکز صنایع بر عمق جغرافیایی اسرائیل، به‌ویژه مناطق جنوبی آن که در مجاورت دریای سرخ قرار دارند، است. عبدالملک الحوثی، رهبر انصارالله، در سخنرانی‌های متعدد بر

و تشدید محاصره اسرائیل است که از نظر اقتصادی به تجارت دریایی وابسته است. این یک چالش جدید برای تل‌آویو و متحدانش است و فشار را به‌ویژه بر واشنگتن و شرکای اروپایی‌اش افزایش می‌دهد.

حرکت راهبردی صنایع با مذاکرات آتش‌بس در حال انجام با حماس مواجه است و بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای تأثیرگذاری بر نتایج سیاسی فراتر از مرزهای یمن به

### کریدل خلیل نصرالله

در حمایت از غزه، نیروهای مسلح انصارالله یمن اولین عملیات مستقیم خود را علیه اسرائیل در روز ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ انجام دادند. این عملیات شامل موشک‌های کروز و پهپاد علیه بندر ایلات در جنوب فلسطین اشغالی بود.

اعلام این کار، سیگنال واضحی از گسترش منطقه درگیری تا مدیترانه

## تهدید کشتی سازی چین!



### مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک متیو فونابوله |

امپراتوری کشتی سازی چین، آخرین نقطه درگیری در تشدید تنش بین واشنگتن و پکن است. از آنجایی که دولت بایدن اقدامات تجاری بالقوه ناعادلانه‌ای را که باعث ظهور چین به عنوان بزرگ‌ترین سازنده کشتی در جهان شد، به پایان می‌رساند، مسائل امنیت ملی گسترده‌تری نیز مطرح است. سرمایه و فناوری خارجی به کارخانه‌های کشتی سازی دو منظوره چین سرازیر می‌شود که به افزایش نیروی دریایی پکن سرعت می‌بخشد.

جو بایدن در روز ۱۷ آوریل قول داد که «نگاهی دقیق» به تاکتیک‌های صنعتی چین که بخش کشتی سازی آن را تقویت کرده است، بیندازد. در همان روز، نماینده تجاری آمریکا تحقیقات بخش ۳۰۱ را در مورد استفاده ادعایی چین از شیوه‌های غیربازاری برای تضعیف رقابت در صنعت کشتی سازی جهانی آغاز کرد. بدون شک، چین سخاوتمندانه از شیوه‌های غیربازاری برای تقویت کشتی سازی خود به ضرر رقبا استفاده کرده است. به رغم ادعای پکن مبنی بر اینکه صنعت آن تنها از «نوآوری‌های فناوری» و «رقابت بازار» ناشی شده است، در حقیقت، پکن

در دهه ۲۰۰۰، صد هابمیلیارد دلار به سمت اکوسیستم کشتی سازی و صنعت کشتی سازی خودسرازیر کرد. این تلاش‌های دولت محور به چین کمک کرد تا رقابت را کاهش دهد و سهم بازار را از رهبران سابق جهانی بدست آورد. کشتی سازان چینی اکنون مجموعاً بیش از ۵۰ درصد از کل تناژ تجاری تولید شده در سطح جهان را در هر سال به خود اختصاص می‌دهند. کشتی سازان ژاپنی و کره‌ای بیشترین آسیب را از صعود چین دیده‌اند.

این روند احتمالاً ادامه خواهد داشت. سال گذشته، چین ۵۹ درصد از سفارش‌های جدید کشتی سازی را جذب کرد. از آنجایی که این موضوع برای رقابت صنعتی آمریکا و متحدانش نگران کننده است، مهارت کشتی سازی چین نیز یک موضوع امنیت ملی است.

نکته نگران کننده تر هنوز میزان حمایت سهوی شرکت‌های خارجی از مجتمع صنعتی نظامی چین است. هیچ راه حل سریع و ساده‌ای برای رقابت با صنعت پر رونق کشتی سازی چین وجود ندارد. تقویت مجدد صنعت آسیب دیده آمریکا، یک تلاش چنددهه‌ای خواهد بود که تازه شروع شده است. تعمیق یکپارچگی با متحدان کلیدی، از جمله رهبران صنعتی مانند ژاپن و کره جنوبی، بسیار مهم خواهد بود.

[tinyurl.com/25fcm9qv](https://tinyurl.com/25fcm9qv)

## تایوان در فکر تولید پهپاد است



### فارن پالیسی جک دچ |

طبق گزارش‌ها، تایوان علاقه مند به خرید مهمات «پرسه زن» یا پهپادهای انتحاری ساخت آمریکا است که به سلاحی کلیدی در میدان‌های نبرد مدرن، از قره باغ تا اوکراین تبدیل شده‌اند. تایوان در سه سال گذشته با تمرینات نظامی روزانه چینی از جمله سیل جت‌های جنگنده در منطقه شناسایی پدافند هوایی جزیره روبرو بوده است. پهپاد [AeroVironment Switchblade] که می‌تواند در یک کوله پشتی جا شود و دارای یک نوع بزرگ‌تر برای بیرون آوردن تانک‌ها و خودروهای زرهی است، قیمتی در حدود ۵۰ هزار دلار برای هر فروند دارد. ارتش آمریکا خرید نوع کوچک‌تر را که به نام [Switchblade ۳۰۰] شناخته می‌شود متوقف کرده است، اما بودجه تکمیلی جدید به وزارت دفاع ۷۲ میلیون دلار می‌دهد تا صدها نمونه دیگر از نوع بزرگ‌تر [Switchblade ۶۰۰] را خریداری کند. علاقه تایوان به این پهپادها به عنوان یک نشانه تلقی می‌شود که عنوان می‌کند تایپه در برابر فشارهای آمریکا برای تمرکز بر خرید مهماتی که به جلوگیری یا دفع حمله چین به جزیره کمک می‌کند، سر تعظیم فرود آورده است. مقامات تایوان به طور فزاینده‌ای در حال بررسی استفاده از پهپادهای انتحاری ساخت آمریکا برای

می‌کنند. این سرمایه گذاری قبلاً تأثیر داشته است، زیرا شرکت‌های تایوانی از مهمات «پرسه زن» خود رونمایی کردند که می‌تواند اهدافی را تا فاصله ۱۵۰ کیلومتری هدف قرار دهد. تایوان همچنین یک آژانس شبه دولتی راه‌اندازی کرده است که مانند آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی پنتاگون فعالیت می‌کند.

هاینو کلینک، معاون سابق دستیار وزیر دفاع آمریکا، گفت که هدف بلندمدت تایوان ساخت تسلیحاتی است که به راحتی قابل مصرف باشد و بتوان در این جزیره تولید کرد، نه فقط خرید تسلیحات ساخت آمریکا.

[is.gd/Qtulx4](https://is.gd/Qtulx4)

هدف قرار دادن کشتی‌ها و تانک‌های چینی در صورت مشاهده در تنگه تایوان یا ساحل هستند. تایوان نامه درخواستی به وزارت دفاع برای پهپادی که مناسب [Switchblade ۳۰۰] باشد و نامه دوم به پنتاگون برای نوع پهپاد بزرگ‌تر با رقابت بین [Switchblade ۶۰۰] و [Anduril's Altius-۶۰۰] ارسال کرده است.

تسای اینگ ون، رئیس جمهور مستعفی تایوان، ساخت بیش از ۳ هزار پهپاد نظامی را برای این جزیره الزامی کرده است و حدود ۵۰ تیم تحقیقاتی تایوانی برای بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در قراردادهای دولتی با یکدیگر رقابت



## چگونه آموزش هولوکاست را به درستی ارائه کنیم

منابع معتبر، جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، بررسی یافته‌ها با کارشناسان، تهیه برنامه اجرایی و به کارگیری آن در برنامه‌های خود، آن را با اطمینان آموزش می‌دهند. این رویکرد غیرمتعارف، مربیان را ملزم می‌کند که از نقش دانایی در صحنه به آماده کردن زمینه برای یادگیری تجربی تغییر کنند. انگیزه‌های این تغییر از تنظیم مجدد لحن در کلاس تا تعریف مجدد موفقیت دانش آموز متغیر است. موضوعات دشوار، نکات ارزشمندی مانند همدلی، مهارت‌های گوش دادن فعال و احترام دو طرفه را به دانش آموزان ارائه می‌دهد.

[B2n.ir/e70621](https://B2n.ir/e70621)

ماموریتی برای کمک به تحقق وعده آموزش هولوکاست شده است. روش‌های سنتی انتشار حقایق تاریخی، نتایج ناامیدکننده‌ای داشته است، زیرا دانش آموزان اغلب تنها بخشی از اطلاعاتی را که جذب می‌کنند، حفظ می‌کنند. این ابتکار با هدف آموزش موضوعات دشوار به روشی منحصربفرد و معتبر، به دانش آموزان قدرت می‌دهد تا سؤالات خود را کشف و حقیقت را جستجو کنند. شرکت کنندگان از رشته‌های مختلف، موضوع دشواری را از برنامه درسی یا جامعه خود انتخاب می‌کنند و با ایجاد سؤالات قانع کننده، یافتن

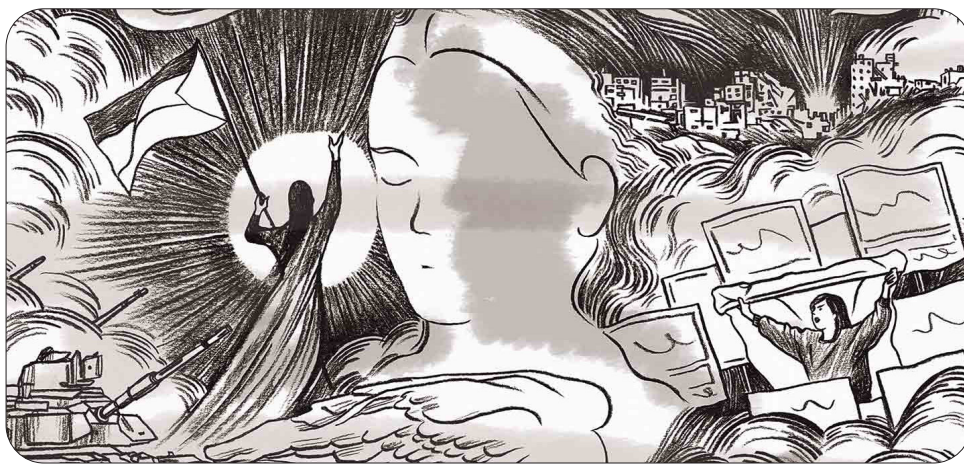
از اعتراضات به خشونت کشیده شده است. آموزش هولوکاست، که از دهه ۱۹۷۰ تدریس می‌شود، توسط محافظه کاران و لیبرال‌ها پذیرفته شده است، با تصویب قانون آموزش و پرورش در سال ۲۰۲۰ و سازمان‌های غیرانتفاعی، از معلمان حمایت می‌کنند. علاوه بر این، ۸۵ موزه و بنای یادبود هولوکاست میزبان سفرهای میدانی متعددی بوده‌اند. مشخص شده که آموزش هولوکاست در افزایش آگاهی در میان جوانان آمریکایی کم است، به طوری که دو سوم آن‌ها اطلاعات کمی در مورد آشویتس و تعداد قربانیان یهودی دارند. این کمبود دانش منجر به

تایم

بواز دویر |

آموزش هولوکاست در ریشه کن کردن نفرت و جهل شکست خورده است، زیرا رسانه‌های اجتماعی، که نوجوانان به طور متوسط حدود پنج ساعت در روز را در آن سپری می‌کنند، مملو از «انکار و تحریف هولوکاست» و تئوری‌های توطئه یهودستیزانه و اسلام هراسانه است. این امر منجر به افزایش حوادث یهودستیزی و اسلام هراسی در مدارس حتی قبل از جنگ اسرائیل و حماس شده است. مدیریت دانشگاه‌ها با احضار پلیس برای سرکوب اعتراضات دانشجویان پاسخ داده‌اند و برخی

## پیروزی و شکست



نیشن

سام آدلر-ریل |

در ۲۲ دسامبر ۱۸۹۷، زیگموند فروید به دوست و معتمد خود ویلهلم فلیس در مورد بیماری که دچار یک کابوس وحشتناک خانوادگی شده بود، گفت. در بدترین شرایط، بیمار احساس می‌کند که میل او به تغییر جهان، امید به انجام کار، مانع سلامتی اوست، چیزی که به معنای آسیب شناسی است. به معنای واقعی، متعهد بودن به تغییر جهان در مقیاس انقلابی، چه خوب و چه بد، نوعی جنون است.

همانطور که کرنل وست زمانی در مورد سوسیالیسم مسیحی رادیکال گفت: «پیرو عیسی کسی است که در آتش عشقی است که از دیدگاه جهان بی معنی است.» آتش گرفتن، خطری برای خود و دیگران است. به دلیل مراقبت از شما و یا ترس از شما، جهان به شدت می‌خواهد شعله‌های آتش را خاموش کند.

فرسودگی شغلی کتابی است درباره زندگی روانی جنبش‌های رادیکال و همچنین کتابی در مورد شکست؛ زیرا این تجربه روانی اولیه زندگی رادیکال است. باخت، برای انقلابیون، بیشتر هنجار است تا استثنا. همانطور که

یک وضعیت اضطراری است، نیروهای ارتجاعی در حال افزایش هستند و جهان همچنان در مسیر اشتباهی قرار گرفته است، زیرا اسرائیل یک جنگ حذقی علیه فلسطینی‌ها را آغاز می‌کند. یکی از نویسندگان گفت: «ما بچه‌های فقیر نیستیم، اما زمانی چنین بودیم و تنها چیزی که از آن زمان توانسته‌ایم تبدیل شویم، بزرگسالان ناقص و شکننده هستیم.» ما به زخمی کردن همدیگر و خودمان ادامه خواهیم داد و احتمالاً بهتر است در این مورد صبور باشیم.

<https://tinyurl.com/2cee4ktr>

جنبش است که می‌توانیم به مبارزه و ایسته و متعهد بمانیم. متعهد بودن به جامعه‌ای عادلانه‌تر و رهایی بخش تر به معنای داشتن این احساس است که فرد کجا بوده و به کجا می‌رود. رادیکال‌ها باید بتوانند توصیف کنند که زندگی چگونه خواهد بود. در بدترین موارد فرسودگی شغلی که به افسردگی تبدیل می‌شود، آن حس مکان و زمان از بین می‌رود و ما جهت‌گیری خود را به طور کامل از دست می‌دهیم. ما امروز در آستانه جنگ جهانی نیستیم؛ اما تغییرات اقلیمی همچنان

مارکسیست‌ها می‌گویند، هر نسل مبارز محکوم به شکست است، مگر نسل آخر.

سیاست‌های رادیکال با این انگیزه‌های متناقض از بین می‌روند؛ مانند ولما، شخص باید حساس باشد، بتواند جهان را اداره کند تا در وهله اول به سمت سیاست‌های رادیکال کشیده شود؛ اما آنچه یک جنبش طلب می‌کند، ملایمت نیست، انعطاف‌پذیری و حتی سختی است؛ و با این حال، گاهی اوقات، تنها با زخمی ماندن و نه تنها در اثر بی‌عدالتی، بلکه توسط خود

# جهان از مظلومیت فلسطین حمایت می کند

سورین

افول آمریکا

مركز مطالعات سورین  
روزنامه

## ژئوپولیتیکال اکانومی آبراهام مارکز

از ماه اکتبر سال ۲۰۲۳، یک جنبش انقلابی ظهور کرده است که امپریالیسم آمریکا و گسترش آن، به ویژه پروژه صهیونیستی استعمار در فلسطین را به چالش می کشد. این جنبش که توسط دانشجویان و جوانان رهبری می شود، توسط پلیس در سراسر آمریکا به شدت سرکوب می شود. آمریکا و اسرائیل از الفاظ گمراه کننده برای محکوم کردن این جنبش استفاده کرده و ادعا کرده اند که این جنبش «یهودستیزی» است و از بمباران غیرنظامیان توسط اسرائیل انتقاد کرده اند. دولت آمریکا در حالی که فعالان و سازمان دهندگانی را که علیه بی عدالتی ها مبارزه می کنند و به نسل کشی پایان می دهند، سرکوب می کند، کشور مستعمره و شهرک نشین را به عنوان یک «قربانی» به تصویر می کشد. مخالفت با یک نسل کشی اکنون «یهودستیزی» تلقی می شود و دولت آمریکا به طور فعال در حال تسهیل و تداوم نسل کشی اسرائیل برای پیشبرد اهداف امپراتوری خود در یک منطقه استراتژیک است.

شواهد روشنی از این موضوع در اظهارات جو بایدن در دوران تصدی عنوان سناتور می یافت می شود، زمانی که او اظهار داشت: «این بهترین سرمایه گذاری ۳ میلیارد دلاری است که انجام می دهیم. اگر اسرائیل وجود نداشت، آمریکا باید یک اسرائیل برای حفظ منافع خود در منطقه اختراع می کرد.»

امروز، جو بایدن، به عنوان رئیس جمهور، از مردم می خواهد که فکر کنند او بر اقدامات دولت یهود در غزه نفوذ ندارد، به رغم این واقعیت آشکار که دولت آمریکا توانایی توقف محاصره اسرائیل در غزه را دارد.

هر روز که صدها فلسطینی قتل عام می شوند، بایدن تصمیم می گیرد از صلح حمایت نکند.

به همین دلیل است که مردم عادی در آمریکا در تمام جنبه های زندگی بسیج می شوند تا وضعیت اسفناک فلسطینیان را متوقف کنند. امتناع

بایدن از توقف یک نسل کشی خشم عمومی را برانگیخت، به اعتراضات منجر شد و باعث بررسی دقیق تر مشروعیت خود نظام سیاسی آمریکا شد.

دولت بایدن از اوکراین در جنگ با روسیه حمایت قاطع کرده است. با این حال، واشنگتن مقاومت فلسطین در برابر تجاوزات اسرائیل را محکوم کرده و در عین حال میلیارد ها دلار تسلیحات برای تل آویو فراهم کرده است.

این در حالی است که دیوان بین المللی دادگستری [ICJ] رأی داد که جنایات اسرائیل به اتهام نقض کنوانسیون نسل کشی قابل تحقیق است. فلسطین هیچ ارتش، نیروی دریایی، پلیس یا نیروهای مسلح متعارفی برای دفاع از خود ندارد.

ریا کاری دولت بایدن و کل نخبگان سیاسی غرب، به اصطلاح «نظم جهانی مبتنی بر قوانین» را که ادعا می کنند از آن حمایت می کنند، به آستانه ای برگشت ناپذیر سوق داده است.

حمایت غرب از اقدامات ویرانگر اسرائیل در غزه، استانداردهای دوگانه غرب در مورد حقوق بشر و قوانین بین المللی آشکار شده است. اکنون هیچ عقب نشینی وجود ندارد و آمریکا باید با عواقب غرور خود روبرو شود.

دولت بایدن به چین، ایران، کره شمالی، نیکاراگوئه، کوبا و ونزوئلا

درباره «دموکراسی» و «حقوق بشر» انتقاد کرده است، در حالی که ریاست یک نظام بین المللی را بر عهده دارد که در آن مکرراً درخواست های اکثریت قریب به اتفاق آتش بس یا تشکیل کشور فلسطینی را که مورد حمایت قرار می گیرد وتو می کند.

میلیون ها نفر در حال درک این موضوع هستند که امپراتوری آمریکا جهان را فریب می دهد تا سلطه خود را حفظ کند. در سراسر آمریکا، در ماه آوریل امسال، حداقل ۱۲ دانشگاه بیش از ۱ هزار و ۱۰۰ دانشجو را که به صورت مسالمت آمیز تظاهرات و از حق اساسی خود برای تجمع استفاده می کردند، دستگیر کردند. این دانشجویان از آتش بس در غزه و پایان دادن به اشغال غیرقانونی فلسطین دفاع می کردند.

یک نیروی مرکزی پشت سرکوب دولتی است. پلیس ها به دلیل اختیار منحصر به فردشان برای شرکت در اعمالی که برای اکثر اعضای جامعه ممنوع است، به عنوان «هیئت های ویژه» تعیین می شوند. آن ها می توانند بدون عواقب از خشونت علیه دیگران استفاده کنند، بازداشت ها و زندانی ها را انجام دهند، یا بدون مجازات علیه تظاهرکنندگان مسالمت آمیز مداخلات مسلحانه را آغاز کنند.

جنبش کنونی برای آزادی فلسطین در آمریکا، آنچه را که به ما گفته می شود «ارزش های آمریکایی» است،

برمی گرداند. میلیون ها نفر از طبقه کارگر خود را در بازداشتگاه های مهاجرت، زندان ها و زندان های سراسر کشور می بینند. به طور معمول، جرایم آن ها حول دزدی کوچک یا فعالیت های مرتبط با مواد مخدر یا ورود بدون مدرک به کشور است.

این مسئله را با سهام داران بزرگ و مدیران عامل ثروتمند سازندگان سلاح مقایسه کنید که از بمباران بیمارستان ها، کمپ های پناهندگان، دانشگاه ها، مساجد، کلیساها، امدادگران بشردوستانه و ساختمان های آپارتمانی سود می برند. آن ها با هیچ یک از پیامدهایی که معترضان طبقه کارگر با آن روبرو هستند مواجه نیستند. دانشگاه های سراسر آمریکا از سرمایه گذاری در شرکت های مجتمع نظامی-صنعتی سود می برند که در مرگ بیش از ۱ میلیون عراقی و جنایات مداوم در فلسطین، از جمله نقض شدید حقوق بشر، شریک بودند.

هیچ کدام از مدیران شرکتی به دلیل پیشبرد این نسل کشی دستگیر نشده اند.

هیچ یک از سیاستمداران آمریکایی برای حمایت از این نسل کشی و تأیید نابودی فلسطینیان به دست نیروهای اشغالگر اسرائیل در طول چندین دهه با عواقبی روبرو نشده است.

[is.gd/7YysNd](http://is.gd/7YysNd)



# تقویت راست‌گرای افراطی غرب پس از کشتار ماه اکتبر

با احتیاط مورد توجه قرار گیرد، زیرا حمایت آن‌ها از اسرائیل تا حدی ناشی از نفرت آن‌ها از اعراب و مسلمانان و ترس از آمدن آن‌ها به غرب است. اسرائیل باید تهدید فزاینده جوامع یهودی و پیامدهای سیاست‌هایش برای امنیت آن‌ها را درک کند. علاوه بر این، دولت اسرائیل باید پیامدهای پیوستن نیروهایش را حتی به طور موقت، با گروه‌های حاشیه‌ای سیاسی انقلابی در کشورهای مختلف که به دنبال تضعیف نظم لیبرال موجود هستند، درک کنند.

علاوه بر این، باید مقدمات امنیت جوامع یهودی فراهم شود و با استفاده از نهادهای امنیتی اسرائیل و محلی، برنامه‌ای چندساله برای حفاظت از آن‌ها در نظر گرفته شود. اگر موج یهودی‌ستیزی افزایش یابد، تعداد فزاینده‌ای از یهودیان می‌توانند درخواست مهاجرت به اسرائیل را داشته باشند؛ بنابراین، باید شرایط مناسبی را برای ادغام بهینه آن‌ها، ضمن انطباق با محیط اجتماعی در کنار مشارکت نهادهای ملی و دولت محلی ایجاد کرد.

<https://tinyurl.com/22md4hs2>



مهمی ایجاد کرده است. اکنون تهدید امنیت یهودیان در سراسر جهان از زمان پایان جنگ جهانی دوم و هولوکاست به بالاترین حد خود رسیده است. دولت اسرائیل باید نیاز اصولی و استراتژیک خود را برای تحکیم موقعیتش به عنوان بخشی از اردوگاه کشورهای لیبرال دموکرات درک کند. برای انجام این کار، اسرائیل باید هویت خود را به عنوان یک کشور چندفرهنگی که دارای عقاید سیاسی گوناگون است حفظ کند و در عین حال شخصیت خود را به عنوان یک کشور یهودی، دموکراتیک و کثرت‌گرا حفظ کند. علاوه بر این، دولت اسرائیل نباید تحت تأثیر اظهارات به‌ظاهر «حمایتی» برخی از رهبران راست افراطی در غرب قرار گیرد؛ سخنان حمایتی آن‌ها نباید مورد تمجید قرار گیرد، بلکه باید

غیرمستقیم و در لاف‌آلوده هستند. علاوه بر این، این گروه‌ها به‌ویژه پس از جنگ در نوار غزه، نسبت به مهاجرت آوارگان مسلمان از غرب آسیا، به‌ویژه نوار غزه به اروپا و آمریکا، ترس و وحشت ایجاد کرده و نگرانی عمومی را برانگیخته‌اند. تظاهرات طرفدار فلسطین در غرب به نفع راست افراطی عمل کرد، زیرا گروه‌های بزرگی از مسلمانان و حامیان آن‌ها ناگهان در خیابان‌های اروپا و آمریکا راهپیمایی کردند و روایت‌های ترس از «بیگانه‌های مسلمان برای تصاحب قدرت را تشدید کردند.» در نتیجه این مسائل، جوامع یهودی و اسرائیلی در کشورهای غربی خود را در مخمصه بسیار دشواری می‌بینند؛ احساس ناامنی ناشی از افزایش تهدیدها از سوی چپ افراطی و همزمان خطر آفرینی راست افراطی چالش‌های

در زمینه مسائل اروپایی، مهاجرت غیرقانونی موضوع اصلی منتهی به انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۲۴ بوده است، اما از روز ۷ اکتبر به بعد، بحث در مورد این موضوع، به‌ویژه به دلیل تظاهرات پر سر و صدا و خشونت‌آمیز «طرفداران فلسطین» که شامل گروه‌هایی از مهاجران مسلمان بود، به‌طور زیادی این دغدغه‌ها تغییر کرده است. نظرسنجی‌های اخیر پیش‌بینی می‌کنند که جناح راست افراطی در پارلمان اروپا از گروه محافظه‌کار (ECR) پیشی گرفته و به چهارمین نیروی بزرگ اتحادیه اروپا تبدیل شده است.

با توجه به شدت روندهای توصیف‌شده، دولت اسرائیل باید با جدیت فراوان به رویدادهای حوزه عمومی چه در خیابان‌ها و چه در رسانه‌های اجتماعی رسیدگی کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که «حمایت» آشکار گروه‌های راست افراطی از یهودیان و با دولت اسرائیل در مبارزه با حماس معمولاً ناشی از تمایل به یهودیان و اسرائیل نیست، بلکه ناشی از نفرت شدید از مسلمانان و مهاجران است. این گروه‌ها که تفرق بیگانگان در آن‌ها ریشه عمیقی دارد، دستشان به یهودی‌ستیزی نیز به‌طور

## رویترز

### توقف صادرات تسلیحات به اسرائیل باعث تقویت حماس می‌شود

دیوید کامرون، وزیر امور خارجه بریتانیا، گفت: توقف صادرات تسلیحات به اسرائیل در صورت تهاجم زمینی این کشور به رفح، موجب تقویت حماس خواهد شد. به گزارش رویترز، او گفت در نبود طرحی برای محافظت از صدها هزار غیرنظامی پناه گرفته در رفح، از عملیات احتمالی ارتش اسرائیل در این شهر حمایت نمی‌کند.

دیپلمات ارشد بریتانیا، با این حال، خاطر نشان کرد کشورش تنها کمتر از یک درصد از تسلیحات اسرائیل را فراهم می‌کند و فروش این تسلیحات در چارچوب یک سیستم مجوزدهی سختگیرانه انجام می‌شود و بنابراین، بریتانیا در «موقعیت کاملاً متفاوتی» نسبت به آمریکا قرار دارد.

دیوید کامرون در ادامه گفت بریتانیا می‌تواند با منع صدور تسلیحات به اسرائیل «یک پیام سیاسی» مخابره کند، اما «آخرین باری که اصرار به انجام آن کردم... تنها چند روز بعد حمله بی‌رحمانه‌ای توسط ایران علیه اسرائیل انجام شد که در آن از ۱۴۰ فروند موشک کروز استفاده شد.»

[ibit.ly/nHPB8](https://ibit.ly/nHPB8)

## سایر خبرها

## آنانولی

### پیمان صلح با اسرائیل یک «انتخاب راهبردی» است

هم‌زمان با تداوم عملیات ارتش اسرائیل علیه حماس و پیشروی تدریجی نیروهای ارتش در رفح، سامح شکر، وزیر امور خارجه مصر، گفت: پیمان صلح کشورش با اسرائیل، یک «انتخاب راهبردی» است.

به گزارش خبرگزاری آنانولی، مسئول دستگاه دیپلماسی مصر گفت: «پیمان صلح با اسرائیل، انتخاب راهبردی مصر به مدت ۴۰ سال بوده و یک ستون اصلی صلح در منطقه به‌منظور دستیابی به صلح و ثبات است.»

به گفته سامح شکر، سازوکارهای ثابتی برای رسیدگی به هرگونه نقض این پیمان وجود دارد.

اظهارات وزیر امور خارجه مصر پس از آن صورت می‌گیرد که یک مقام ارشد مصری به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته بود عملیات اسرائیل در رفح، پیمان صلح میان دو کشور را در معرض خطر جدی قرار داده است.

اسرائیل صبح روز شنبه ۲۲ اردیبهشت و هم‌زمان با تداوم جنگ علیه حماس، از ساکنان برخی دیگر از محله‌های شهر رفح در جنوب نوار غزه خواست محل سکونت خود را ترک کنند.

[ibit.ly/RW08a](https://ibit.ly/RW08a)



# سازمان ملل نباید به فلسطینی‌ها پاداش دهد

سورینس

سایر حوزه‌ها

روزنامه

حمایت کنگره از سازمان ملل به دلیل تعصب نهادینه شده ضد اسرائیلی و پایان کمک مالی به آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی بر سر روابط آن با تروریسم فلسطینی در حال کاهش است. آمریکا ۲۲ درصد از بودجه منظم سازمان ملل و ۲۵ درصد از بودجه حفظ صلح را تأمین می‌کند که می‌تواند بیش از یک پنجم کل درآمد سازمان ملل را در یک لحظه از بین ببرد. این قطعنامه همچنین روند عضویت مندرج در منشور سازمان ملل متحد را تغییر می‌دهد و هرج و مرج بالقوه را در سیستم سازمان ملل ایجاد می‌کند. تأثیر بالقوه بر صلح و امنیت بین‌المللی به اندازه کافی جدی است که مخالفت را حتی بدون انگیزه خودخواهانه توجیه کند. هدف سازمان ملل متحد ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی است، اما اعطای حقوق و امتیازات عضویت به فلسطینی‌ها چشم‌انداز صلح را تضعیف می‌کند و به افراط‌گرایی پاداش می‌دهد. در صورت تصویب این قطعنامه، بودجه آمریکا باید فوراً قطع شود و به دلیل حمایت از تروریسم این کشور نباید هیچ کمکی به سازمان ملل کند.

<https://tinyurl.com/25taasas>



حکومتی «دولت فلسطین»، تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس، بیگانه‌ترین گروه و حکومت از صلح دوستی هستند. هر دو سازمان‌های افراطی هستند که به‌طور فعال تروریسم را برای غیرنظامیان تبلیغ می‌کنند و به آن‌ها پاداش می‌دهند. آن‌ها بذرنفرت را در میان شهروندان عادی می‌کارند تا جایی که به شدت از جنایات تروریستی مرتکب شده در ماه اکتبر حمایت می‌کنند و هدفشان تنها نابودی اسرائیل است.

دولت بایدن با این استدلال که فلسطینی‌ها جایگاهی مشابه کشورهای عضو دارند، تلاش می‌کند به تأمین مالی سازمان ملل ادامه دهد. با این حال،

رسمیت می‌شناسند، اما این یک تصمیم سیاسی است. در حقیقت، سرزمین‌های فلسطینی فاقد ویژگی‌های کلیدی دولت بودن هستند، از جمله یک سرزمین تعریف شده مرزهای رسمی آن منوط به مذاکرات آتی با اسرائیل است و دولتی که حاکمیت حاکم بر آن سرزمین را اعمال می‌کند. بدون تردید، تشکیلات خودگردان فلسطین تمام کرانه باختری و حتی غزه را کنترل نمی‌کند.

دومین فرض نادرست در قطعنامه، قضاوتی است مبنی بر اینکه فلسطین «دولتی صلح‌طلب» است که طبق ماده ۴ منشور سازمان ملل برای عضویت در این سازمان الزامی شده است. در واقع، مقامات

## ریل کلیر ورلد برت شفر

انتظار می‌رود سازمان ملل روز جمعه در مورد یکی از بدترین قطعنامه‌هایی که تاکنون وجود داشته است رأی دهد و بسیاری از حقوق و امتیازات محفوظ به کشورهای عضو را به «دولت فلسطین» اعطا کند. آمریکا و سایر کشورهای عضو سازمان ملل باید آن را رد کنند.

قطعنامه بر اساس فرضیه‌های نادرست است؛ این قطعنامه همچنین باعث ایجاد مشکلات مالی در سازمان ملل و ایجاد هرج و مرج شده و مهم‌تر از همه، پاداشی به تروریسم خواهد بود.

با توجه به حمایت مداوم تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس از خشونت‌های بی‌رویه علیه غیرنظامیان اسرائیلی، اکثریت آرای مجمع عمومی به نفع این قطعنامه به منزله تشویق تروریسم و تأیید خصومت با یک کشور عضو سازمان ملل متحد است.

از جمله فرضیه‌های نادرست، این ادعا است که «کشور فلسطین واجد شرایط عضویت در سازمان ملل است و بنابراین باید به عضویت پذیرفته شود.» اگرچه بیش از ۱۰۰ دولت کشور فلسطین را به

## سایر حوزه‌ها

### نیویورک تایمز

## بر اساس ارزیابی‌ها

### «السنوار» در رفح پنهان نشده است

رویس‌های اطلاعاتی اسرائیل با ارزیابی‌های آمریکا در این خصوص که یحیی السنوار، رهبر حماس در غزه و دیگر رهبران این گروه در رفح پنهان نشده‌اند، اتفاق نظر دارند.

نیویورک تایمز به نقل از مسئولان آمریکایی که نخواستند نامشان فاش شود، در ادامه این مطلب نوشت که سرویس‌های اطلاعاتی دو کشور احتمال می‌دهند، السنوار «به هیچ‌وجه از شبکه تونل‌های زیرزمینی خان یونس خارج نشده است». این در حالی است که روزنامه «تایمز اسرائیل» پیشتر به نقل از دو منبع آگاه آورده بود، بر مبنای برآوردهای جدید اطلاعاتی، السنوار اکنون در تونل‌های زیرزمینی خان یونس در فاصله ۵ مایلی شمال رفح است. به گفته یک مسئول دیگر اسرائیلی، السنوار همچنان در غزه بسر می‌برد.

به نوشته «نیویورک تایمز»، السنوار و محمد الضیف، معاون او و فرمانده شاخه نظامی حماس، به‌رغم ادعاهای مکرر مسئولان اسرائیلی در خصوص تنگ‌تر شدن حلقه محاصره آن‌ها، همچنان دست نیافتنی هستند.

[ibit.ly/O88TK](http://ibit.ly/O88TK)

### سی‌بی‌اس

## هیچ رئیس‌جمهوری در آمریکا مانند بایدن برای

### دفاع از اسرائیل اقدام نکرده است

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، گفت: اسرائیل باید در مورد حفاظت از جان غیرنظامیان فلسطینی در رفح و همچنین برنامه خود در مورد دوران پس از جنگ غزه، برنامه ارائه دهد.

بلینکن این مطالب را در شبکه آمریکایی سی‌بی‌اس اعلام کرد و گفت اسرائیل تاکنون طرح معتبری ارائه نداده است.

او در مورد تعلیق ارسال برخی تسلیحات به اسرائیل گفت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در گفت‌وگوهای خصوصی خود با مقامات اسرائیلی «روشن» بوده است. او گفت آنچه که آمریکا در مورد آن شفاف بوده، این است که اگر اسرائیل عملیات نظامی بزرگ را در رفح آغاز کند، سامنه‌های تسلیحاتی خاصی وجود دارد که واکنش آن‌ها را تأمین نمی‌کند.

دولت بایدن گفته است از حمله رژیم صهیونیستی به رفح که لوارگان جنگی بسیاری از دیگر مناطق غزه به آنجا پناه برده‌اند، حمایت نمی‌کند و ارسال برخی تسلیحات به اسرائیل را معلق کرد.

[ibit.ly/OAgaw](http://ibit.ly/OAgaw)

# اعتراضات گسترده ارمنستان برای پایان باج دادن به آذربایجان



## نیوزویک

### الکس گالیتسکی / گنوا ایسکاجیان |

ماه گذشته، دولت ارمنستان برنامه‌های خود را برای تسلیم تاووش، اراضی منطقه شمالی ارمنستان، به عنوان بخشی از روند تحدید حدود مرزها به جمهوری آذربایجان اعلام کرد که جرعه تظاهراتی را بر سر تصمیمی برانگیخت که به طور جبران ناپذیری امنیت ارمنستان را تضعیف می‌کند و با کور را برای تحمیل خواسته‌های خود بر ارمنستان جسورتر می‌کند. پس از هفته‌ها تظاهرات همراه با سرکوب وحشیانه پلیس، اخیراً بیش از ۱۰۰ هزار نفر به رهبری اسقف اعظم تاووش، باگرات گالستانیان به پایتخت ایروان رفتند تا استعفای نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان را مطالبه کنند. جنبش توده‌ای در ارمنستان نه تنها نارضایتی عمیق خود را از عملکرد دولت نشان می‌دهد، بلکه عنوان می‌کند بسیاری پاشینیان را مسئول ناتوانی در جلوگیری از حمله آذربایجان به قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و پاک‌سازی قومی کل جمعیت ارمنی منطقه در سال گذشته می‌دانند. این امر همچنین نشان دهنده بدبینی مردم نسبت به صلح ناعادلانه‌ای است که ارمنستان را مجبور به دادن امتیازات غیرقابل تحملی به آذربایجان می‌کند و این در حالی است که هیچ تضمینی برای امنیت ارمنستان در بنبوچه حملات معمول برون مرزی آذربایجان و اشغال مستمر اراضی مستقل ارمنستان وجود ندارد. افزایش نارضایتی مردم ارمنستان از مذاکرات صلح، آمریکا و اتحادیه اروپا را در موقعیت نامناسبی قرار داده است. ارمنستان برای مدت طولانی که برای امنیت خود به مسکو وابسته است؛ به علت شکست روسیه در انجام تعهداتش در برابر تجاوزات آذربایجان، به دنبال شرکای جدید بوده است. غرب نیز به نوبه خود مشتاقی برای سرمایه‌گذاری در این خلاء ژئوپلیتیکی بوده است تا بتواند هم نفوذ روسیه در منطقه را کم کند هم از طریق ایجاد صلح بتواند تأمین گاز و منابع انرژی اروپا را تضمین کند. به‌رغم تقویت مجدد تلاش‌های

دیپلماتیک آمریکا، آذربایجان بارها نشان داده است که تمایلی به مشارکت جدی در مذاکرات صلح ندارد و باردیدارهای سطح بالا با مقامات ارشد آمریکا و امتناع از شرکت در مذاکرات پیشنهادی میانجیگری غرب نشان داد که به دنبال صلح نیست. با وجود این موضوعات، واشنگتن مسیر خود را تغییر نداده است. این باور ناپجا مبنی بر اینکه آذربایجان نقش مهمی در حمایت از منافع امنیتی منطقه‌ای آمریکا دارد، چندین دهه است که باعث شده تا این کشور آذربایجان را با کمک‌های نظامی و قراردادهای دفاعی تحسین کند. این سیاست نادرست مماشات با آذربایجان، همچنان به خودداری واشنگتن از تحمیل هزینه‌های ملموس بر باکو برای پاک‌سازی قومی قره‌باغ ادامه می‌دهد و باعث می‌شود تا مقامات آذربایجانی که مسئول جنایات جنگی هستند در مصونیت کامل باشند. آذربایجان که هیچ پیامدی برای تجاوزات نسل‌کشی خود نمی‌بیند، انگیزه‌ای برای حضور برسر میز مذاکره ندارد و بیشتر از طریق زور به دنبال مذاکره است. این معامله با آذربایجان حتی نتایج روشنی برای آمریکا به همراه نداشته است. واشنگتن در تلاش برای مهار نفوذ روسیه و ایران در منطقه است، اما

با این حال رژیمی را قدرتمند کرده است که به‌طور مداوم به‌عنوان یک حکومت سرکوب‌گر لیست می‌شود و در فرار مسکواز تحریم‌ها نقش مؤثری داشته است. غرب نه تنها نتوانسته است که آذربایجان را پاسخگو بداند، بلکه در پی پاک‌سازی قومی قره‌باغ، به باکو از طریق گسترش معاملات انرژی، میلیاردها سرمایه اقتصادی و مشارکت‌های نظامی داده است. آذربایجان نیز اخیراً پس از وادار کردن ارمنستان به کنار گذاشتن وتوی خود از طریق دیپلماسی گروگان‌گیری، امتیاز میزبانی کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد را نیز دریافت کرد. این موضوع حتی باعث می‌شود مهر تأییدی بر فساد سیاست‌های آذربایجان باشد. زمانی که مارک لیبی، سفیر آذربایجان از شهر شوشی بازدید کرد، جایی که اخیراً فاش شد آذربایجان یک کلیسا و گورستان ارمنه دیگر را ویران کرده است؛ نگرانی‌ها در مورد جهت‌گیری مذاکرات صلح با یک اشتباه دیپلماتیک دیگر توسط آمریکا تشدید شد. این دیدار تنها چند روز پس از آن انجام شد که این سفیر، اظهار داشت که «در یک نمایش تبلیغاتی نقشی ایفا نخواهد کرد» که تأکید بر ناتوانی و عدم تمایل واشنگتن برای پاسخگویی آذربایجان و تضعیف اعتماد به دیپلماسی آمریکا است.

واشنگتن باید درک کند که نمی‌تواند همیشه منافع همه طرف‌ها را داشته باشد. این کشور نمی‌تواند اعلام کند که از حاکمیت ارمنستان حمایت می‌کند و در عین حال آذربایجان را قادر سازد که از مجازات مصونیت داشته باشد و در میان تهدیدهای بی‌وقفه آن به جنگ علیه ارمنستان فقط سکوت کند. همچنین نمی‌تواند ادعا کند که از دموکراسی و حقوق بشر در منطقه حمایت می‌کند و در عین حال از پاسخگویی بر رژیم استبدادی آذربایجان به خاطر جنایات جنگی و پاک‌سازی قومی امتناع ورزد. از آنجایی که تظاهرات علیه امتیازات ارضی یکجانبه در ارمنستان بالا گرفته است، آمریکا باید با این واقعیت کنار بیاید که صلح عادلانه و بادوام در غیاب پاسخگویی ممکن نیست. آمریکا با ناتوانی در حل این تناقض ذاتی در سیاست خارجی خود در قبال منطقه، نه تنها خطر از دست دادن فرصت حیاتی برای تنوع بخشیدن به مشارکت‌های ارمنستان و حمایت از تعامل آن با غرب را به خطر می‌اندازد، بلکه تهدید می‌کند که توسعه طلبی اقتدارگرایانه‌ای را که ظاهرآ به دنبال مقابله با آن است، در دیگر نقاط جهان مشروعیت بخشد.

<https://tinyurl.com/2ddmfccy>



## خیانت نابخشدنی بایدن به اسرائیل

### اسپایکت برندان اونیل

در سال ۲۰۱۷، جهان درخواست کرده‌ها را برای خودداری از حمله به رقه، پایتخت داعش، دیوانگی می‌دانست. با این حال، اکنون جهان غرب از اسرائیل خواسته است تا رفح، شهر جنوبی غزه را در آرامش ترک کند. این به‌عنوان یک موضع «طرفدار صلح» تلقی می‌شود، اما می‌تواند به‌عنوان نقطه مقابل صلح نیز در نظر گرفته شود، که به‌طور بالقوه به نفع و تقویت ارتش متعصبان خشن است که جنگ را آغاز کرده‌اند. خصومت نخبگان غربی با تهاجم

اسرائیل به رفح شدید است و دیوید کامرون، وزیر امور خارجه انگلیس اظهار داشت که انگلیس از عملیات بزرگ در رفح حمایت نخواهد کرد، مگر اینکه اسرائیل طرح دقیقی برای حفاظت از مردم در آنجا ارائه دهد. مداخله بایدن قابل توجه‌ترین و غیرقابل بخشش‌ترین مداخله است، زیرا او تهدید کرده است که اسرائیل را از برخی تجهیزات نظامی در صورت ورود آن‌ها به رفح محروم خواهد کرد، این اولین باری است که او «سلاح‌های آمریکایی را مشروط به اقدامات اسرائیل می‌کند.»

اسرائیلی‌ها را برانگیخت و به‌عنوان باج‌گیری سیاسی و یک اصل عالی اخلاقی شناخته شد. آمریکا که حمایت مالی و کمکی به کردها برای تعقیب داعش کرد، اکنون باید به اسرائیل هشدار دهد که حماس را تعقیب نکند. این رباکاری است، زیرا آمریکا، شهروندان آمریکایی و مسئولیت اخلاقی آن‌ها را قربانی هیجان زودگذر افزایش انتخابات می‌کند. تنها گروهی که از خیانت بایدن به اسرائیل سود می‌برد، حماس است که رفح را به پایگاهی برای جنگ صلیبی کیهانی خود علیه دولت یهود تبدیل کرده است. مخالفت با درگیری

در رفح، درخواست صلح است تا اصرار بر پذیرش جنگ توسط اسرائیل. جنگ همه‌جانبه در رفح وحشتناک خواهد بود، زیرا تخمین زده می‌شود که ۱٫۵ میلیون فلسطینی در نتیجه قتل عام حماس به آن جا گریخته‌اند. اگر جهان غرب برای جلوگیری از جنگ در رفح جدی بود، از حماس می‌خواست که گروگان‌ها را بازگرداند و تسلیم اسرائیل شود. درگیری با شکست فاشیستی آن‌ها به پایان می‌رسد. حامیان اسرائیل برای تعقیب تروریست‌ها بر این باورند که اگر جنگ آن‌ها را شکست دهد، ارزشش را دارد.

[B2n.ir/p26102](http://B2n.ir/p26102)

## جلوگیری از جنگ با چین به خاطر تایوان

### کینو داگ بندوا

اروپا با بزرگترین درگیری زمینی خود از زمان جنگ جهانی دوم در اوکراین مواجه است و اگر جنگی در تنگه تایوان رخ دهد، می‌تواند یک خطر بزرگ برای غرب باشد. تنش‌ها بالا است، کنگره اخیراً ۸٫۱ میلیارد دلار برای تایپه و سایر نقاط اقیانوس آرام تصویب کرد، در حالی که رئیس‌جمهور بارها گفته است که از تایوان دفاع خواهد کرد. این امر آمریکا را با تسلیحات هسته‌ای وارد یک درگیری خواهد کرد که شبیه هیچ درگیری دیگری نیست. با این حال، کسانی که خواهان تشدید دخالت آمریکا در جنگ روسیه و اوکراین هستند، اصرار دارند که جای نگرانی وجود ندارد. این ادعا که پکن از واشنگتن می‌ترسد در بهترین حالت غیرمنطقی به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد که سیاست آمریکا بیشتر از آن که دلسرد شود، چنین درگیری را تشویق می‌کند. دولت، در حال استقرار نیروهای آمریکایی در تایوان است و بر ارزش آن در محدود کردن چین تأکید می‌کند. جمهوری خواهان برجسته، از جمله وزیر خارجه سابق و مشاور امنیت ملی، از به رسمیت شناختن تایوان به‌عنوان



جمهوری چین حمایت می‌کنند. پکن مدعی حاکمیت بر تایوان است، اما مردم تایوان نمی‌خواهند توسط حزب کمونیست چین اداره شوند که به استبداد مائوئیستی تمایل دارد. هزینه و خطر جنگ از جانب تایپه بسیار زیاد است و این وظیفه واشنگتن است که از مردم آمریکا در برابر چنین خطری محافظت کند. بازی‌های جنگی به‌طور مداوم تلفات زیادی را برای آمریکا دارند که اکثر روبرویی‌ها را از دست داده است. عواملی مانند حمله نیروهای آمریکایی به پایگاه‌ها، ناتوانی شی جین‌پینگ از یک کارزار شکست خورده، دور ماندن دولت‌های آینده کره جنوبی و ژاپن از هرگونه

جنگی و وسوسه تشدید دو قدرت هسته‌ای می‌تواند عوارض این وضعیت را چند برابر کند. برخی از بدبینان بر این باورند که آمریکا و چین احتمالاً تشدید تنش را مدیریت خواهند کرد و آن را به‌خوبی از آستانه جنگ جهانی سوم دور نگه خواهند داشت، همان‌طور که ابرقدرت‌ها در سایر درگیری‌ها انجام داده‌اند. با این حال، تجربه عمومی جنگ سرد یکی از جنگ‌های نیابتی بود که به جنگجویان اجازه می‌داد تا حدی فاصله داشته باشند. در کوبا، مسکو و واشنگتن به‌سختی از درگیری و جنگ هسته‌ای احتمالی اجتناب کردند. اوکراین بسیار خطرناک

است زیرا برای روسیه اهمیت زیادی دارد. چگونگی وقوع تیراندازی بر فراز تایوان، با غرق شدن ناوهای پی‌آرسی و بمباران توسط آمریکا، نامشخص و خطرناک است.

برخی از خوش‌بینان معتقدند که خطر جنگ حداقل است و برخی از مقامات معتقدند تنها کاری که باید انجام دهند این است که انگشت خود را خم کنند و پکن از ادعای خود در مورد تایوان صرف نظر کند. مسائل امنیتی و ملی‌گرایی تایوان پیچیده است و نباید آن‌ها را نادیده گرفت. امتناع واشنگتن از مذاکره با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه منجر به کشتار اروپا و پیامدهای خطرناکی شده است. فتح تایوان بسیار دشوار خواهد بود و هائانیا احتمال حمله چین به تایوان را تا سال ۲۰۳۵ بین ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزیابی می‌کند. با این حال، پکن ترجیح می‌دهد از جنگ اجتناب کند، زیرا هدف جمهوری خلق چین مذاکره اجباری برای اتحاد مجدد بوده است. بهترین نتیجه ممکن این است که تایوان در انتخابات‌های سیاسی و اقتصادی داخلی خود آزاد باشد اما به‌طور رسمی به‌عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته نشود.

[B2n.ir/a94309](http://B2n.ir/a94309)

## فان افروز - بیندیک / هوکر / ورشو ناتو بدون آمریکا دوام نمی‌آورد



ناتو، موفق‌ترین ائتلاف نظامی جهان، ماه گذشته هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفت، اما برخی نگرانند که این آخرین سالگرد تشکیل آن با نقش پیشرو آمریکا باشد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، این ائتلاف را منسوخ می‌داند و ممکن است رهبران روسیه را تشویق کند تا هر کاری که می‌خواهند در قبال کشورهای عضو انجام دهند که آنچه را که او برای دفاع کافی می‌داند، پرداخت نمی‌کنند. ریاست جمهوری دوم ترامپ می‌تواند پیامدهای بدی برای امنیت اروپا داشته باشد. مدافعان ترامپ استدلال می‌کنند که او بلوف می‌زند تا اروپا را تحت فشار قرار دهد تا هزینه‌های دفاعی بیشتری بپردازد؛ اما مقامات سابق آمریکا که در دوران تصدی وی با ترامپ در مورد ناتو همکاری نزدیک داشتند، از جمله یکی از ما (آر. دی. هوکر جونیور)، متقاعد شده‌اند که او در صورت انتخاب مجدد، از این ائتلاف خارج خواهد شد. مگر اینکه کنگره تصویب کند. ترامپ می‌تواند این ممنوعیت را با خودداری از بودجه، فراخواندن سربازان و فرماندهان آمریکایی از اروپا و جلوگیری کردن تصمیم‌های مهم در شورای آتلانتیک شمالی دور بزند. موضع فعلی او در قبال ناتو و بی‌علاقگی به حمایت از اوکراین می‌تواند اعتماد اروپا به رهبری و عزم نظامی آمریکا را از بین ببرد.

اگر ترامپ دوباره انتخاب شود و به مواضع ضد ناتو خود ادامه دهد، اوکراین اولین قربانی خواهد بود. ترامپ با کمک نظامی به کی‌یف مخالفت کرده و روابط قوی با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دارد. ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو در تلاش است تا با هماهنگ کردن اوکراین تحت حمایت این ائتلاف، به اوکراین کمک کند. اگر آمریکا تعهدات دفاعی خود را در قبال اروپا در دوران ترامپ تضعیف کند یا پایان

بزرگ. حتی اگر ناتو بدون دخالت قوی آمریکا دوام بیاورد، چالش‌های رهبری تقسیم‌شده، توانایی‌های بازدارندگی ناکافی و یک دشمن قاطع خطر جنگ با روسیه را افزایش می‌دهد، قدرتی بزرگ که می‌خواهد نظم بین‌المللی لیبرال را واژگون کند.

خروج آمریکا از ناتو می‌تواند پیامدهای مهمی برای رهبری جهانی آن، به‌ویژه در غرب آسیا داشته باشد. روابط دفاعی آمریکا با متحدان آسیایی مانند استرالیا، ژاپن و کره جنوبی به دلیل تحریکات چین در حال تقویت است. با این حال، عدم اعتماد به تعهدات آمریکا می‌تواند برخی از کشورهای اروپا را به دنبال سلاح‌های هسته‌ای سوق دهد و ثبات منطقه را تضعیف کند. اقتصاد آمریکا نیز ممکن است آسیب ببیند، زیرا شکست بازدارندگی می‌تواند منجر به جنگ عمومی با روسیه یا چین شود و هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی را به همراه داشته باشد. آمریکا سهم اقتصادی قابل توجهی در حفظ یک اروپای صلح‌آمیز دارد و روابط تجاری اغلب به دنبال روابط امنیتی است. آمریکا قبلاً این را تجربه کرده است و به دنبال بی‌طرفی در هر دو جنگ جهانی است.

[is.gd/K9DXyJ](https://is.gd/K9DXyJ)

استراتژیک تکیه کند که کسری از کل نیروی روسیه است که بیش از ۵ هزار نفر است. فقدان تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی اروپا به این معنی است که تنها می‌تواند با تهدید به تشدید تنش به سطح استراتژیک که ممکن است مسکو آن را غیرقابل اعتماد بداند، از حمله هسته‌ای تاکتیکی روسیه جلوگیری کند. فرانسه و انگلیس قدرت بازدارندگی هسته‌ای خود را برای محافظت از متحدان خود گسترش نداده‌اند و مسکو ممکن است برای دستگیری کشورهای عضو ناتو به باج‌خواهی هسته‌ای متوسل شود.

بدون رهبری آمریکا در ناتو، حفظ انسجام و وحدت بین اعضا دشوار خواهد بود. از زمان تأسیس ناتو، یک افسر عمومی آمریکا، ساختار فرماندهی این سازمان را رهبری می‌کند و بر فعالیت‌های نظامی همه کشورهای عضو ناتو نظارت می‌کند. بعید است که هیچ کشور دیگری در اتحاد بتواند این نقش را بازی کند.

ناتو بدون آمریکا ممکن است لنگ بزند، اما احتمال فروپاشی کامل آن بیشتر است. اتحادیه اروپا در موقعیتی نیست که بتواند جای ناتو را بگیرد، زیرا توانایی‌های نظامی آن محدود است و توانایی بیشتری در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای دارد تا جنگ‌های

دهد، کشورهای اروپایی احساس آسیب‌پذیری بیشتری خواهند کرد و ممکن است تمایلی به ارسال تجهیزات نظامی خود به اوکراین نداشته باشند. با کاهش چشمگیر کمک‌ها، کی‌یف می‌تواند مجبور به مذاکره برای یک توافق نامطلوب با مسکو شود و اوکراین را به یک کشور نابسامان تبدیل کند که از نظر نظامی و اقتصادی در برابر روسیه آسیب‌پذیر است. در صورت فروپاشی دفاعی اوکراین، سرکوب وحشیانه و روسی‌سازی اجباری در انتظار ۳۸ میلیون نفر خواهد بود. روسیه اکنون در شرایط جنگی قرار دارد و ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف دفاع می‌کند و رهبر مستبد آن متعهد به تحکیم حاکمیت خود بر «جهان روسیه» است. بدون کمک آمریکا، ناتو بیشتر قدرت نظامی خود را از دست خواهد داد. صنعت دفاعی اروپا همچنان پراکنده است و توسعه ظرفیت‌های دفاعی مورد نیاز می‌تواند تا پایان این دهه طول بکشد.

اگر آمریکا ناتو را کنار بگذارد، می‌تواند به‌طور قابل توجهی مشکل بازدارندگی متعارف اروپا را بدتر کند. سلاح‌های هسته‌ای برای بازدارندگی ناتو بسیار مهم هستند و اروپا باید به کمتر از ۶۰۰ کلاهک هسته‌ای



انرژی اینتلجنس - ریتر / کاواناگ

## نتیجه حمله تلافی جویانه ایران به اسرائیل



تلافی جویانه اسرائیل، آمریکا عملاً برتری بازدارندگی طولانی مدت اسرائیل بر ایران را تضعیف کرد. آمریکا از روز ۱۳ آوریل، زمانی که موضع امنیت ملی اسرائیل بر اساس برتری بازدارندگی بود، به طور قابل توجهی متحول شده است. این تغییر اسرائیل را مجبور کرده است به تجدیدنظر در رفتار خود با توجه به هشدار آمریکا مبنی بر اینکه حمایت نظامی این کشور از حمله اسرائیل به ایران تضمین شده نیست و توانایی های نظامی اسرائیل قادر به دستیابی به تسلط بازدارندگی در منطقه نیست. این تغییر بر رفتار اسرائیل به ویژه در غزه تأثیر می گذاشت. پیش از این، بازیگران منطقه ای متحد با حماس، مانند حزب الله، تهدید کرده بودند که در صورت اقدام قاطعانه اسرائیل علیه حماس، تنش ها به شدت افزایش خواهد یافت. این زنجیره تشدید تنش بر سر جنگ غزه انجام نشده است و تهران تمایلی به در معرض خطر قرار دادن دارایی قدرتمند حزب الله ندارد. دولت ایران با تنظیم مجدد مدل بازدارندگی منطقه ای، ناخواسته دست خود را در مورد حمایت از حزب الله و حماس بسته است.

[tinyurl.com/28jamsmb](http://tinyurl.com/28jamsmb)

دهه ای آمریکا را معکوس کرد و آمریکا متذکر شد که هرگونه حمله مستقیم، تلافی جویانه خواهد بود. پس از حمله ایران به اسرائیل، آمریکا به این رژیم اطلاع داد که هرگونه حمله تلافی جویانه ای که انجام دهد بدون مشارکت نیروهای آمریکایی انجام خواهد شد. در حالی که به نظر می رسد آمریکا منافع گسترده تری در اجتناب از درگیری مستقیم با ایران دارد، ایران نیز به آمریکا هشدار داده بود که در صورت مشارکت در هر اقدامی علیه ایران، پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه مورد حمله قرار خواهند گرفت. اسرائیل احتمالاً با این فرض کار می کرد که در صورت حمله اسرائیل به ایران، آمریکا شریک کامل این اقدام خواهد بود. این فرض نتیجه مستقیم همکاری نظامی با آمریکا بود که شاهد بود نیروهای آمریکایی به طور فعال در تمرینات نظامی بزرگی که توسط اسرائیل در دو سال گذشته انجام شده بود، شرکت کردند. این تمرینات باعث شد اسرائیل متوجه شود که فاقد ظرفیت نظامی برای انجام یک حمله نظامی معنادار علیه ایران بدون مشارکت آمریکا است. با محدود کردن گزینه های

که هرگونه اقدام اسرائیل توسط قدرت نظامی آمریکا پشتیبانی می شود، حمایت می شد. حمله موشکی و پهپادی اخیر ایران به اسرائیل این نگرش را به طور اساسی تغییر داده است. ایران با حمله به اسرائیل نشان داد که دیگر با تهدید انتقام جویانه اسرائیل بازدارنده نیست و با شرکت نکردن در اقدام تلافی جویانه اسرائیل، آمریکا حداقل تا آنجا که به ایران مربوط می شود به این رژیم هشدار داد که اسرائیل در پاسخ به حملات ایران که ناشی از اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل علیه ایران می باشد، به تنهایی عمل کند. حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق خط قرمز موجود ایران را نقض کرد و به واکنش اجتنابناپذیر ایران منجر شد. حداقل ۹ موشک ایرانی به اهداف به شدت محافظت شده در داخل اسرائیل اصابت و به سپر مشترک پدافند موشکی بالستیک آمریکا و اسرائیل نفوذ کردند، اما صدمه ای به زیرساخت های حیاتی وارد نکردند و تلفات قابل توجهی به همراه نداشتند. این رویکرد مشابه واکنش ایران در سال ۲۰۲۰ به ترور قاسم سلیمانی، فرمانده ایرانی سپاه قدس از سوی آمریکا بود. پاسخ ایران، موضع بازدارندگی چند

برای لحظه ای دلهره آور در اواسط ماه آوریل، جهان شاهد بود که ایران و اسرائیل در آستانه یک جنگ تمام عیار هستند که می توانست عواقب ناگواری برای امنیت انرژی جهانی داشته باشد. مواضع بازدارنده ای که درگیری ترکیبی فعال بین دو قدرت منطقه ای را از تبدیل شدن به درگیری آشکار باز داشت، پس از حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، پایتخت سوریه، از بین رفت. ایران که این اقدام اسرائیل را ناقض قوانین بین الملل و «خط قرمز» اعلام کرده است، با استفاده از صدها پهپاد و موشک، انتقام جویی گسترده نظامی را انجام داد. با این حال، پاسخ اسرائیل خاموش بود و به هر دو طرف اجازه داد تا از یک چرخه تشدید خطرناک عقب نشینی کنند. اقدام ایران، زمانی که با واکنش محدود اسرائیل ترکیب شود، موقعیت بازدارندگی منطقه را بازتعریف کرده است و ایران سلطه بازدارندگی را که زمانی اسرائیل از آن برخوردار بود به چالش می کشد. برای چندین دهه، اسرائیل و آمریکا یک بازدارندگی استراتژیک در برابر حملات بازیگران دولتی به اسرائیل را از طریق یک موضع نظامی جمعی حفظ کردند که هر مهاجم بالقوه را با واقعیت درک شده از یک تلافی قاطع تضمین شده مواجه می کرد. این موضع بازدارندگی ناشی از پیامدهای جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ بود، جایی که عراق در طی پنج هفته در معرض ۴۹ حمله موشکی اسکاد قرار گرفت.

از آن زمان، اسرائیل به یک سطح واقعی از تسلط بازدارنده بر دشمنان منطقه ای خود، از جمله سوریه و ایران دست یافت. اسرائیل حملات متعددی را با هدف نگه داشتن مقامات هسته ای ایران در داخل ایران و دارایی های نظامی ایران در سوریه انجام داد، بدون اینکه هیچ واکنش مستقیمی به دنبال داشته باشد. در هر دو مورد موضع بازدارندگی اسرائیل با این تصور



دستگاه دفاعی این کشور، به «نیاز به نوآوری» برمی‌گردد.

• آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در تماس تلفنی با یوآو گالات، وزیر جنگ اسرائیل گفت که شکست دادن حماس، هدف مشترک واشنگتن و تل‌آویو است.

• کریس ون هولن، سناتور دموکرات آمریکایی، در اظهاراتی هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا را به دلیل آنکه دانشجویان معترض حامی فلسطین را افرادی ناآگاه نسبت به امور غرب آسیا خواند، نقد و عنوان کرد وی نگرانی‌های دانشجویی را کاملاً نادیده می‌گیرد.

• پس از دیدار اخیر وزرای خارجه ایران و مصر در گامبیا، امیر عبداللهمیان می‌گوید که دو طرف گام‌های مشترکی را در راستای ارتقای روابط برداشته‌اند.

• یک سناتور جمهوری خواه آمریکایی مدعی شد که اگر ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شده بود، جنگ میان اسرائیل و حماس احتمالاً تمام شده بود.

• نخست‌وزیر اسرائیل روز دوشنبه مدعی شد که تا زمان وجود حماس، نمی‌توان به مردم غزه اجازه اداره این باریکه را داد.

• سخنگوی وزارت امور خارجه ایران امروز با اشاره به گزارش سی.ان.ان درباره شکنجه و آزار و اذیت اسرای فلسطینی توسط صهیونیست‌ها در مرکز بازداشت سری در النقب، حقوق بشر آمریکایی و صهیونیستی را دو روی یک سکه خواند.

• زاهر جبارین، قائم مقام رهبر جنبش حماس در کرانه باختری، امروز دوشنبه از مهمترین کارت‌های سیاسی و نظامی مقاومت در نوار غزه برای داشتن دست برتر در جنگ فرسایشی با رژیم صهیونیستی خبر داد.

• معاون اول کمیته دفاع مجلس سنای روسیه روز دوشنبه گفت که صحبت کردن درباره احتمال از سرگیری مذاکرات با اوکراین در استانبول زوداست.

• رئیس سابق ستاد مشترک ارتش اسرائیل با اشاره به شکست تمام‌عیار این رژیم در غزه، گفت که مسئولان صهیونیست باید به هر قیمتی، اسرای اسرائیلی را آزاد کنند؛ حتی اگر مجبور شوند هزینه گزافی بابت آن بدهند.

نخواهد داشت. من هم با آن موافق هستم! این به معنی نابودی کسی نیست. آمریکا و اسرائیل تنها کشورهایی به شمار می‌روند که خواهان نابودی کشور دیگری هستند.

• ژنرال بازنشسته اسرائیلی گفت: هیچ وقت به این اندازه وضعیت ما ناامیدکننده نبوده است.

• گراهام، سناتور آمریکایی، خواستار انداختن بمب هسته‌ای بر روی ایران و فلسطین شد!

• اعتراف کارشناس سلطنت طلب بی‌بی‌سی به شدت گرفتن اختلافات میان اپوزیسیون؛ صحبت از ائتلاف یعنی تشدید اختلافات. رضا تقی‌زاده، تحلیلگر سیاسی در این خصوص گفت: باوری به اتحاد و ائتلاف‌ها ندارم، کسانی که دست به ائتلاف زده‌اند، نماینده مردم ایران نیستند.

• ولادیمیر پوتین پس از ادای سوگند برای پنجمین بار به عنوان رئیس‌جمهور روسیه، یک تکنوکرات وفادار را به عنوان رئیس دولت خود انتخاب کرد که نشان دهنده ترجیح او به ثبات بر انجام اصلاحات اساسی در ساختار حکومت این کشور است.

• رئیس‌جمهور ترکیه، اسرائیل را متهم کرد که غزه را به یک «زندان فضای باز» تبدیل کرده است. این در حالی است که دیوید کامرون، وزیر امور خارجه بریتانیا گفت که «پاسخ بهتر» این است که حماس، توافق تبادل گروگان‌ها را بپذیرد.

• همزمان با حملات سنگین روسیه به شرق و شمال شرقی اوکراین، کرملین از برکناری سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه توسط ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور خبر داد.

• معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران، در دیدار نماینده سازمان ملل در امور افغانستان، بر مسئولیت این سازمان برای ایفای نقش سازنده در روند ایجاد صلح و ثبات در افغانستان تأکید کرد.

• وزیر امور خارجه با تأکید بر اهمیت توسعه روابط با پاکستان و رفع مسائل موجود بر سر راه توسعه مناسبات دوجانبه، خواستار شناسایی نقاط ضعف و قوت و ارائه طرح‌های برنامه‌محور و قابل اجرا در جهت گسترش روابط دو کشور شد.

• سخنگوی کاخ کرملین گفت: تصمیم ولادیمیر پوتین برای تعیین یک غیرنظامی به عنوان رئیس

ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل گفت: عملیات رفع یک اشتباه بسیار بزرگ استراتژیک است و ما تاوان بسیار سنگینی را برای آن خواهیم داد؛ رفع یک شکست کامل را برای ما رقم خواهد زد!

• انگلیس اعلام کرد: فقط یک درصد تسلیحات اسرائیل را تامین می‌کنیم.

• فرمانده اوکراینی درباره وضعیت ولچانک، منطقه خار کیف گفت: با توجه به وضعیت بحرانی و درگیری خیابان به خیابان، ولچانک احتمالاً در روزهای آینده سقوط خواهد کرد که این یک دستاورد بزرگ و بسیار مهم و یک پیروزی استراتژیک برای ارتش روسیه است.

• شبکه عبری کان اعلام کرد: نتانیاهو به دنبال اجرای طرحی است که در آن ارتش اسرائیل کنترل نوار غزه را به مدت یک سال در دست می‌گیرد.

• یوسف عزیزی، تحلیلگر سیاسی گفت: نیروهای مقاومت در منطقه قوی‌تر شده‌اند؛ محور مقاومت دست بالا را دارد و خون هزاران فلسطینی به طور قطع در سیاست‌های داخلی کشورهای اسلامی تاثیر خود را خواهد گذاشت!

• تداوم رباکاری اردوغان؛ فقط امروز به‌رغم تحریم اعلامی ترکیه، ۴ فروند کشتی تجاری از این کشور عازم اسرائیل شد. کشتی‌های ترکیه فرستنده‌های خود را در نزدیکی قبرس خاموش می‌کنند تا پنهان کنند که تحریم بر علیه دولت یهود نقض شد، سپس ساعت‌ها بعد با ترک اسرائیل آن‌ها را دوباره روشن می‌کنند!

• رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل گفت: متوجه شدم که یکی از افسران ارشد ارتش در نوار غزه زخمی شده است؛ به ناچار باید هزینه‌های سنگین جنگ را پرداخت کنیم.

• شبکه سعودی گفت: در سایه افزایش حملات پهبادی به اسرائیل، نگرانی‌ها از فعالیت این پایگاه سری و پهبادی ایران بیشتر شده است.

• گراهام، سناتور آمریکایی گفت: اسرائیل باید هر کاری که لازم است، برای ادامه حیات خود انجام دهد و ما نیز به آن‌ها کمک کنیم.

• پاسخ چامسکی به اینکه «نظرش راجع به شعار نابودی اسرائیل توسط ایران چیست؟»: منظور این است که در گذر زمان اسرائیل وجود



هریج - برنت سادلر / نیکول رایبسون

## سیاست نادرست آمریکا، عامل هرچ و مرج کنونی در غرب آسیاست



## بخش اول

حماس، نیروی نیابتی ایران، در روز ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ جنگی را علیه اسرائیل آغاز کرد و باعث شد تا خشونت در سطح منطقه تشدید شود. تا قبل از حمله پهپادی و موشکی ایران به اسرائیل در روز ۱۴ آوریل ۲۰۲۴، حملات حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی به کشتی‌ها در دریای سرخ، مهم‌ترین دغدغه آمریکا و متحدانش بود.

اقدامات تحریک‌آمیز حوثی‌ها، در هماهنگی با منافع منطقه‌ای ایران و با هدف مختل کردن تجارت بین‌المللی، تهدید زنجیره‌های تأمین جهانی و اثرگذاری بر تورم جهانی صورت می‌گیرد. حوثی‌ها امیدوارند که این فشارهای اقتصادی، آمریکا را به متوقف کردن حمایت از اسرائیل تشویق کند. در همین حال، دشمنان آمریکا، به‌ویژه چین و روسیه، هدف چنین حملاتی قرار نمی‌گیرند و از امتیاز عبور و مرور آزادانه از مسیر دریای سرخ و کانال سوئز برخوردارند.

این وضعیت ناخوشایند، اجتناب‌پذیر بود. قبل از این چرخه هرچ و مرج در غرب آسیا، دولت بایدن یک منطقه نسبتاً با ثبات را به ارث برده بود. دولت ترامپ از طریق مقابله با اقدامات خصمانه حکومت ایران و پیوستن به شرکای خود در هماهنگی با پیمان تاریخی آبراهام توانست مسیر صلح‌آمیز جدیدی را به جلو ترسیم کند. با این حال، اتخاذ برخی سیاست‌های نادرست از سوی دولت بایدن، موجب ایجاد هرچ و مرج کنونی در منطقه غرب آسیا شده که در صورت عدم بازنگری در این سیاست‌ها، ممکن است منافع آمریکا در معرض تهدید قرار گیرد و این کشور نتواند به صورت مستقیم با چین رقابت کند.

دریای سرخ با توجه به اینکه عبور و مرور یک سوم از کانتینرهای جهان را به خود اختصاص می‌دهد، یکی از مهم‌ترین شریان‌های هادر سیستم حمل و نقل جهانی است. در واکنش به حملات حوثی‌ها، بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی و انرژی جهانی مانند شل و بریتیش پترولیوم،

مسیر عبور خود از دریای سرخ را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآوردند و اکنون کشتی‌های خود را در اطراف دماغه امید نیک هدایت می‌کنند.

در روز ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳، وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که این کشور به همراه متحدان خود در حال ایجاد یک نیروی عملیات دریایی مشترک به نام «عملیات نگهبان رفاه» برای دفاع در برابر حملات حوثی‌هاست. اگرچه این عملیات ظاهراً ۲۰ کشور را گرد هم می‌آورد، اما بیش از نیمی از این کشورها مشارکت خود را تأیید نکرده‌اند و تاکنون تنها آمریکا و انگلیس، حملاتی را علیه حوثی‌ها برای بازداشتن آن از حمله به کشتی‌ها در دریای سرخ انجام داده‌اند. با تداوم حملات حوثی‌ها، واضح است که عملیات نگهبان رفاه در برقراری مجدد امنیت حمل و نقل در دریای سرخ شکست خورده است.

تنها یک پیام واضح به ایران می‌تواند از تشدید جنگ منطقه‌ای جلوگیری کند. آمریکا باید هزینه‌هایی را بر حوثی‌ها تحمیل کند تا به حمله خود به کشتی‌ها در دریای سرخ پایان دهند؛ این به معنای بازگرداندن و تعریف مجدد آن‌ها به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی است. آمریکا همچنین باید توانایی و ظرفیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران برای ایجاد هرچ و مرج در سراسر منطقه را، از طریق مختل کردن جریان انتقال تسلیحات ایرانی به گروه‌های نیابتی تهران کاهش دهد. در نهایت، آمریکا

باید با گسترش و تقویت پیمان آبراهام، چشم‌انداز مثبت‌تری برای منطقه ارائه دهد. چنین اقداماتی، آزادی تجارت و امنیت در منطقه را تضمین و حفظ خواهد کرد.

با این حال، متأسفانه نشانه‌های اندکی مبنی بر اینکه دولت بایدن بر این اساس عمل کند، وجود دارد. عدم اقدام قاطع، شکاف بین آمریکا و شرکای کلیدی آن در منطقه را افزایش می‌دهد. در صورتی که پاسخ‌های نظامی مؤثری [از جانب آمریکا و متحدانش] داده نشود، ایران و نیروهای نیابتی آن به بی‌ثبات کردن منطقه ادامه داده و منابع محدود آمریکا را از مهم‌ترین تهدید و اشنگتن یعنی چین دور خواهند کرد.

## تأثیر اقتصادی حملات حوثی‌ها در دریای سرخ

تهدیدات کشتیرانی در دریای سرخ، چالش‌های دریایی دیگری نیز به همراه دارد. این واقعیت که بازارهای آمریکا بیش‌تر به تجارت در سراسر اقیانوس اطلس و آرام وابسته هستند، تأثیر حملات حوثی‌ها در دریای سرخ را بر بازارهای این کشور کاهش می‌دهد. با این حال، اثرات جزئی از حملات حوثی‌ها در دریای سرخ وجود دارد که هزینه‌های روزمره آمریکایی‌ها را افزایش می‌دهد. افزایش هزینه‌های حمل و نقل ممکن است عمده‌فروشان و خرده‌فروشان را که کالاهای خود را وارد و صادر می‌کنند،

مجبور کند تا قیمت‌های خود را برای حفظ حاشیه سود افزایش دهند. انرژی یک مشکل دیگر است. جنگ روسیه با اوکراین، وابستگی اروپا به انرژی غرب آسیا را که از دریای سرخ عبور می‌کند، افزایش داده و اختلالات بیش‌تر در نفت خام برنت یا گاز طبیعی، یک نگرانی بزرگ است. اگر بحران فعلی غرب آسیا به زودی حل نگردد، قیمت انرژی و کالا در اروپا می‌تواند حتی بیش‌تر نیز افزایش یابد.

اقتصاد چین نیز در صورت تداوم حملات، با فشارهای نزولی مواجه خواهد شد. گسترش حملات به تنگه هرمز می‌تواند برای چین که سهم قابل توجهی از انرژی مورد نیاز خود را از خلیج فارس و تجارت با اروپا تأمین می‌کند، مشکلاتی ایجاد کند. با این حال، تا این لحظه، چین، مانند روسیه سود برده، زیرا هدف [نیروهای نیابتی ایران] قرار نگرفته است.

با وجود تأثیرات اقتصادی گسترده‌تر حملات حوثی‌ها در دریای سرخ، تنها انگلیس و آمریکا عملیات نظامی علیه حوثی‌ها انجام داده‌اند. تلاش‌ها برای کاهش تنش تاکنون شکست خورده و آمریکا نه تنها در معرض فشار اقتصادی، بلکه در شرف خطر یک رویارویی نظامی طولانی مدت در غرب آسیا قرار گرفته است. وضعیت امروز، قابل پیشگیری بود و بر اثر یک سری سیاست‌های نادرست از طرف دولت فعلی آمریکا پدید آمد.

t.ly/pNyCb



## رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان  
مركز مطالعات

[Sourianc.com](http://Sourianc.com)